احکام و مسائل رمضان

**مؤلف:**

**عبدالمنعم مصطفی**

**مترجم:**

**ابوسعید**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | احکام و مسائل رمضان |
| **مؤلف:** | عبدالمنعم مصطفی |
| **مترجم:** | ابو سعید |
| **موضوع:** | احكام عبادات، (نماز، روزه، زکات و حج) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc439155941)

[مقدمه 1](#_Toc439155942)

[قبل از حلول ماه رمضان 5](#_Toc439155943)

[اثبات ماه رمضان 6](#_Toc439155944)

[ماه رمضان چگونه ثابت می‌‌شود؟ 6](#_Toc439155945)

[چه کسی حلول ماه رمضان را اثبات می‌کند؟ 7](#_Toc439155946)

[با اثبات حلول ماه رمضان، روزه‌ی اين ماه واجب می‌‌گردد 9](#_Toc439155947)

[روزه بر چه کسی واجب می‌‌‌شود‌؟ 10](#_Toc439155948)

[فضيلت روزه‌ی ماه رمضان 12](#_Toc439155949)

[کسی‌که عمدی و بدون عذر در ماه رمضان روزه نباشد 20](#_Toc439155950)

[معنی صيام (روزه) 21](#_Toc439155951)

[مبطلات روزه 21](#_Toc439155952)

[ارتداد: 21](#_Toc439155953)

[خوردن و نوشیدن به صورت عمدی: 22](#_Toc439155954)

[جماع و هم‌بستری: 22](#_Toc439155955)

[استفـراغ به صورت عمدی: 23](#_Toc439155956)

[خارج شدن خون حیض و نفاس: 24](#_Toc439155957)

[وجوب سپری کردن شب همراه با نيت 24](#_Toc439155958)

[سحری و اهميت آن 25](#_Toc439155959)

[وقت سحری 26](#_Toc439155960)

[فجر کاذب: 27](#_Toc439155961)

[فجر صادق: 27](#_Toc439155962)

[افطار 29](#_Toc439155963)

[زمان افطار 29](#_Toc439155964)

[مستحب‌بودن عجله در افطار 30](#_Toc439155965)

[مستحب بودن افطار با خرما يا آب 32](#_Toc439155966)

[اموری‌که انجام آن برای روزه‌دار اشکالی ندارد 32](#_Toc439155967)

[بوسیدن و معاشرت و همبسترشدن بدون جماع: 32](#_Toc439155968)

[استعمال سواک و مسواک بدون استعمال و زیادهروی: 34](#_Toc439155969)

[حجامت و خارج‌نمودن خون فاسد و همینطور اهداء خون و شستن کلیه برای بیماران دیالیزی: 34](#_Toc439155970)

[استنشاق و مضمضه (آب به بینی و دهـان زدن) بدون مبالغه: 35](#_Toc439155971)

[شستن سر، حمام‌کردن و شنا: 35](#_Toc439155972)

[چشیدن غذا بدون بلعیدن: 36](#_Toc439155973)

[سرمه کشیدن و عطر زدن و همین طور قطره‌ی چشم: 37](#_Toc439155974)

[سوزن و سرنگ غیر غذایی: 37](#_Toc439155975)

[موارد رخصت برای روزه نگرفتن 37](#_Toc439155976)

[و همچنین برای زن در حال حیض: 40](#_Toc439155977)

[و همچنین مرد سالخورده و زن سالخورده: 42](#_Toc439155978)

[قضای روزه‌ی ماه رمضان 42](#_Toc439155979)

[مواردی‌که روزه‌دار بايد از آن دوری کند 43](#_Toc439155980)

[روزه‌دار، روزش را چگونه سپری می‌کند؟ 45](#_Toc439155981)

[نماز شب در ماه رمضان 47](#_Toc439155982)

[اعتکاف 48](#_Toc439155983)

[زکات فطر و احکام پيرامون آن 51](#_Toc439155984)

[روزه‌ی شش روز ماه شوال 53](#_Toc439155985)

مقدمه

إنَّ الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له وأشهد أنَّ محمداً عبده ورسوله صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

أما بعد:

به سبب گسترش بدعت و نوآوری در دین، به تذکر و یادآوری اصلی از اصول عبادت و شرطی از شروط آن می‌­پردازیم‌که باید در عبادت به صورت کلی در پی طلب روش و سنت پیامبر ج بود و نه در پی اهواء و آراء و مذاهب متفاوت و ناهمگون و مخالف سنت، زیرا بدعت­گذاری در دین، جایز نیست و هر بدعتی گمراهی و سرانجام هر گمراهی، آتش است.

خداوندأ در لزوم تبعیّت از پیامبر ج فرموده:

﴿... فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦٣﴾ [النور: ٦٣].

«پس کسانی‌که با فرمان او مخالفت می‌‌کنند؛ باید بترسند از این‌که فتنۀ ایشان را فرا گیرد».

امام احمد بن حنبل/ فرموده است: در قرآن تأمل کردم٬ در سی و سه موضع، اطاعت از رسول خدا ج را یافتم، سپس شروع به تلاوت این آیه می‌کرد: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ٦٣﴾ [النور:63].

آن را بارها تلاوت می‌­کرد و می‌‌گفت: فتنه چیست؟ و جواب می‌­داد فتنه یعنی شرک؛ زیرا هنگامی‌که برخی از سخنان پیامبر ج را نپذیرد در قلبش انحرافی واقع می‌‌شود که سبب انحراف قلبش از راه حق و سرانجام هلاکتش می‌­گردد.

و نیز به ایشان گفته شد: قومی حدیث پیامبر ج را رها ساخته و به نظر و آراء سفیان گرایش دارند. امام فرمود: متعجب و شگفت­زده­ام از قومی‌که حدیث پیامبر ج را شنیده و اسناد و صحت آن‌را می‌­دانند، آن را رها ساخته و به نظر سفیان و دیگران روی می‌‌آورند! خداوندأ فرموده است: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ ٦٣﴾ [النور: ٦٣]. آیا می‌‌دانی فتنه چیست؟ فتنه یعنی کفر! خداوندﻷ فرموده است: ﴿وَٱلۡفِتۡنَةُ أَكۡبَرُ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۗ ٢١٧﴾ [البقرة: ٢١٧]. «و فتنه (شرک و شکنجۀ مؤمنان) از کشتن بزرگ‌تر است».

حدیث پیامبر ج را رها ساخته و هوا و هوس‌شان بر آنان چیره شده است و آنـان را به سـوی رأی و نظـریه پردازی می‌­کشاند؟![[1]](#footnote-2)

و نیز خداوند فرموده است:

﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾ [آل عمران: ٣١].

«بگو: اگر الله را دوست می‌‌دارید، پس از من پیروی کنید، تا الله شما را دوست بدارد، و گناهان‌تان را برای‌تان بیامرزد، و الله آمرزندۀ مهربان است».

پس از جمله نشانه­های صداقت و راستی محبت، پیروی از پیامبر ج است و محبت ایشان به اندازۀ پیروی از ایشان است.

در حدیث نیز از پیامبر ج ثابت است که فرموده­اند: «خذوا عني مناسككم»[[2]](#footnote-3).

«از من راه و روش عبادت کردن‌تان را فرا گیرید».

و فرموده: «صلوا كما رأیتموني أصلي»[[3]](#footnote-4).

«نماز بخوانید آنگونه که مرا می‌‌بینید نماز می‌­خوانم».

و فرموده: «من أحدث في أمرنا ما ليس فيه فهو ردٌّ».

«هر کس در امر دین، عمل جدیدی بیاورد که در دین نیست، آن عمل غیر مقبول است».

و فرموده: «من صنع أمراً على غير أمرنا فهو رد»[[4]](#footnote-5).

«هر کس عملی انجام دهد که مطابق دستور ما نباشد آن عمل باطل است».

بنا بر این، به اذن و یاری خداوندأ تلاش می‌­کنیم که تمامی آن‌چه در مورد مسائل و احکام مربوط به رمضان و روزۀ این ماه ثابت و مقرر است، با تحقیق و بررسی در سنت پیامبر ج و ترجیح آن، بیان کنیم.

\* \* \*

قبل از حلول ماه رمضان

قبل از ماه رمضان، ماه شعبان قرار دارد که در آن، اعمال بندگان به سوی آسمان بالا می‌­رود، و به عنوان آمادگی شخص برای استقبال از ماه رمضان، زیاد روزه گرفتن مقرر شده است، آن‌گونه که در حدیث صحیح، پیامبر ج فرموده­اند:

«شعبان بين رجب ورمضان، يغفل الناس عنه، تُرفع فيه أعمال العباد، فأحب أن لا يُرفع عملي إلا وأنا صائم»[[5]](#footnote-6).

«شعبان بین رجب و رمضان (بعد از رجب و قبل از رمضان) است، مردم از آن در غفلت‌اند و آن را به فراموشی سپرده­اند، در آن اعمال بندگان بالا برده می‌‌شود پس دوست دارم‌که عملم تنها در حالی‌که روزه هستم بالا برده شود».

و در صحیحین از أم المؤمنین عائشهل روایت است که فرمود:

«ما رأيت رسول الله ج في شهرٍ أكثر صياماً منه في شعبان».

«در هیچ ماهی پیامبر ج را ندیدم‌که بیشتر از ماه شعبان روزه باشد».

اما پیوند و وصل کردن شعبان به رمضان جایز نیست بنا به فرمودۀ پیامبر ج:

«**لا تقدموا رمضان بصوم يومٍ ولا يومين إلا رجلاً يصوم صوماً فليصمه**».

«روزی یا دو روز قبل از رمضان روزه نگیرید و با روزه گرفتن به قصد احتیاط به استقبال رمضان نروید (به جز شخصی‌که عادتاً در آن روزها روزه بوده باشد)».

مثلا دوشنبه یا پنجشنبه یا طبق عادت پنجشنبه و جمعه روزه بوده باشد و رمضان در شنبه باشد که برای او اشکالی ندارد و می‌­تواند روزه بگیرد.

و همچنین فرمودۀ پیامبر ج: «من صام یوم الذي یشك فیه فقد عصی أبا القاسم»[[6]](#footnote-7).

«کسی‌که یوم الشک (روزی‌که معلوم نیست شعبان است یا رمضان) روزه باشد از فرمان رسول خدا سرپیچی کرده است».

\* \* \*

اثبات ماه رمضان

ماه رمضان چگونه ثابت می‌‌شود؟

ماه رمضان با رؤیت هلال این ماه ثابت می‌‌شود و در صورتی‌که هلال در بیست و نهم شعبان رؤیت نشد، سی روز شعبان کامل می‌­گردد، بنا به فرمودۀ پیامبر ج:

«صوموا لرؤيته وأفطروا لرؤيته، فإن غُمَّ عليكم فأكملوا عدة شعبان ثلاثين»[[7]](#footnote-8).

«با رؤیت هلال ماه روزه بگیرید و با رؤیت آن از روزه گرفتن خود‌داری کنید و اگر ماه (به سبب ابر یا ...) از شما پوشیده ماند، سی روز شعبان را تکمیل کنید».

«لا تصوموا حتى تروا الهلالَ، ولا تفطروا حتى تروه، فإن أُغمي عليكم فاقدروا له»[[8]](#footnote-9).

«روزه نگیرید تا هلال ماه را مشاهده می‌­کنید و افطار نکنید تا هلال را می‌­بینید و در صورت پوشیده ماندن هلال و عدم رؤیت، شما اندازۀ ماه را سی روز بگیرید (و سی روز را تکمیل کنید)».

\* \* \*

چه کسی حلول ماه رمضان را اثبات می‌­کند؟

ماه رمضان با رؤیت هلال از جانب شخصی مسلمان و عادل اثبات می‌‌شود، چنان‌که در حدیث آمده است:

«جاء رجل أعرابي من البادية فأخبر النبي ج بأنه رأى الهلال فأمرَ ج بلالاً أن يؤذِّن بالصيام».

«شخصی بادیه‌نشین آمد و به پیامبر ج خبر دادکه هلال ماه رمضان را دیده است، پیامبر به بلال دستور داد که مردم را به روزه گرفتن فراخواند».

و ابن­عمرل فرموده است: «مردم برای دیدن هلال به آسمان می‌نگریستند، من به پیامبر ج خبر دادم‌که هلال را دیده­ام، پیامبر ج روزه گرفت و به مردم نیز دستور داد که روزه بگیرند»[[9]](#footnote-10).

با این رؤیت و گواهی از مسلمان عادل (با وجود اختلاف شهرها و دولت‌ها) بر تمام افراد وجوامع‌که از آن مطلع شده­اند، روزه ثابت می‌‌شود و درحال حاضر به شکرانۀ خداوندأ و به سبب فراوانی رسانه­ها که توانایی پخش اخبار در سراسر جهان را طی چند ثانیه دارند، این امر سهل و ممکن شده است و در نتیجه دولت‌های معاصر عذری ندارند که هر دولتی بر اساس رؤیت خود روزه بگیرد، این، تفرقه افکنی در دین و برخلاف سنت ثابت رسول خدا ج می‌­باشد. متأسفانه در اکثر اوقات در تعیین چنین احکام و اوقات شرعی، آن‌چه مورد توجه قرار می‌­گیرد پیروی اهواء و خواستۀ رهبران حکومت‌ها و حکام طاغوت در سرزمین‌های اسلامی می‌­باشد، به طوری‌که اختلافات سیاسی، حکمرانان را به اختلاف در تعیین شروع و انتهای رمضان و روز عید وادار می‌‌کند تا با این کار، ملت‌های‌شان نیز دچار اختلاف و تفرقه و کینه­توزی گردند، در حالی‌که اینان دارای حق اطاعت نیستند، و امت اسلامی نیز نباید در مخالفت با سنت و راه صحیح شرعی (که ماه رمضان با آن ثابت می‌‌شود) از آنان پیروی کنند، زیرا در معصیت و نافرمانی از خداوندأ ، اطاعت از هیچ آفریده­ای روا نیست.

ای مردم! اگر حکام طاغوت در سرزمین‌تان به شما بگویند: نماز عصر بعد از غروب آفتاب خوانده می‌‌شود، آیا شما از آنان اطاعت می‌­کنید؟! اگر بگوئید: نه، و حتماً جواب باید خیر باشد، می‌­گویم: چگونه در تقدیم و تأخیر روزۀ ماه رمضان از آنان اطاعت می‌­کنید، حال آن‌که طبق شرع ثابت از پیامبر ج، بر ثابت شدن روزه اطلاع پیدا کرده­اید؟!!

اگر گفته شود: از معاویةس ثابت است که در شام بود و روز جمعه از ماه رمضان روزه بوده، در حالی‌که ابن عباسل و اهل مدینه روز شنبه را روزه گرفتند، پس برای هر کدام رؤیت مخصوص لحاظ شده است؟

در جواب می‌­گویم: این در حالتی است که به علت گستردگی شهرها و کشورها، اطلاع رسانی ممکن نباشد. اهل شام روز جمعه هلال را دیده­اند اما به دلیل مسافت طولانی بین شام و مکه و کمبود وسائل اطلاع­رسانی، توانایی خبر رسانی به اهل مدینه را نداشته­اند، اما در عصر حاضر این مشکل برطرف شده است و به سادگی در ظرف چند ثانیه با وسائل مختلف می‌­توان مشاهدۀ هلال ماه را اعلام نمود، در نتیجه استدلال به اثر معاویه و ابن عباسب تنها در صورتی جایز و صحیح است که اطلاع رسانی رؤیت ماه در همان وقت که ماه در آن مشاهده شده است، ممکن نباشد. والله اعلم.

\* \* \*

با اثبات حلول ماه رمضان، روزه‌ی اين ماه واجب می‌‌­گردد­

به دلیل فرمود­ۀ خداوندأ:

﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ ١٨٥﴾ [البقرة: ١٨٥].

«(آن چند روز محدود و اندک) ماه رمضان است (ماهی) که قرآن در آن نازل شده است، (کتابی) که راهنمای مردم است، و (در بردارنده) نشانه‌ها و دلایل آشکار و روشن از هدایت و جدا کنندۀ حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را (در حضر) دریابد، باید که آن را روزه بدارد».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣﴾ [البقرة: ١٨٣].

«ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما فرض شده است همان گونه که بر کسی‌که پیش از شما بودند؛ فرض شده بود، تا پرهیزگار شوید».

روزه، یکی از ارکان پنجگانۀ اسلام می‌‌­باشد، چنان‌که در حدیث متفق علیه پیامبر ج فرمود: «بُني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، وحج البيت، وصوم رمضان».

«اسلام بر پنج چیز بنا شده است: 1- گواهی بر این‌که هیچ معبود بر حقی نیست جز الله و محمد فرستادۀ خداست 2- برپاداشتن نماز 3- ادانمودن زکات 4- حج کعبه 5- روزۀ ماه رمضان».

\* \* \*

روزه بر چه کسی واجب می‌‌‌شود‌؟

روزه بر مسلمانِ عاقلِ بالغِ توانا بر انجام آن، واجب می‌‌‌شود.

بر مسلمان واجب می‌‌‌شود زیرا از کافر هیچ عملی پذیرفته نمی‌شود و شرک باعث نابودی تمام اعمال می‌‌­باشد زیرا خداوند فرموده:

﴿وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٨﴾ [الأنعام: ٨٨].

«و اگر شرک می‌‌‌ورزیدند؛ هر آینه آن‌چه را که انجام داده بودند از (اعمال نیک) آن‌ها نابود می‌‌‌شد».

﴿وَلَقَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٦٥﴾ [الزمر: ٦٤].

«و به راستی‌که به تو و به کسانی‌که پیش از تو بودند، وحی شد که اگر شرک آوری، یقیناً اعمالت (تباه و) نابود می‌‌‌شود، و از زیان‌کاران خواهی بود».

و بر عاقل واجب می‌‌‌شود، زیرا از دیوانه تکلیف برداشته شده است، به دلیل فرمودۀ پیامبر ج:

«رُفع القلم عن ثلاثة: ـ منها ـ وعن المجنون حتى يعقل أو يفيق»**[[10]](#footnote-11)**.

«از سه گروه تکلیف برداشته شده ­است از جمله: دیوانه تا زمانی‌که عاقل شود».

و بر بالغ، روزه واجب می‌‌‌شود، زیرا از بچه (پسر یا دختر) تکلیف برداشته شده است، تا زمان رسیدن به سن بلوغ، به دلیل فرمودۀ پیامبر ج:

«رُفع القلم عن ثلاثة -منها- وعن الصبي حتى يحتلم»**[[11]](#footnote-12)**.

«از سه گروه تکلیف برداشته شده است از جمله: بچه تا زمان رسیدن به سن بلوغ».

و بر توانا واجب می‌‌­گردد، زیرا به اتفاق علما، ناتوان تکلیفی ندارد، زیرا خداوندأ فرموده:

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ ٢٨٦﴾ [البقرة: ٢٨٦].

«خداوند بر هیچ کس جز به اندازۀ توانایی­اش تکلیف نمی­کند».

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ ٧﴾ [الطلاق: ٧].

«خداوند بر هیچ‌کس جز (به قدر) آن‌چه به او داده است، تکلیف نمی‌کند».

و در حدیث صحیح، پیامبر ج فرموده: «وما أمرتكم به فأتوا منه ما استطعتم».

«آن‌چه را به شما فرمان داده­ام، به اندازۀ توانایی انجام دهید» [متفق علیه].

و عجز و ناتوانی دو دسته است: یکی ناتوانی دائمی مانند: بیماری دائمی‌که به طور کلی مانع روزه­گرفتن می‌‌‌شود و مانند آن است پیر مردی‌که قادر به روزه­گرفتن نیست. این افراد به ازای هر روز باید به یک مسکین، طعام دهند، به دلیل فرمودۀ خداوندأ: ﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖۖ ١٨٤﴾ [البقرة: ١٨٤].

«و بر کسانی‌که توانائی انجام آن را ندارند، لازم است کفّاره بدهند».

ابن عباسب در مورد این آیه می‌‌­گوید: «این آیه منسوخ نیست؛ منظور آن پیرمرد و پیرزنی است که نمی­توانند روزه بگیرند، پس باید به ازای هر روز، مسکینی را طعام دهند» [امام بخاری].

نوع دیگری از عجز و ناتوانی، مؤقتی است، که با از بین رفتن سبب آن، از بین می‌‌­رود مانند: بیماری مؤقت قابل علاج و درمان، که چنین فردی باید قضای روزه را بگیرد، به دلیل فرمودۀ خداوندأ:

﴿فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۚ ١٨٤﴾ [البقرة: ١٨٤] .

«و کسانی‌که از شما بیمار یا مسافر باشند (اگر افطار کردند و روزه نگرفتند ، به اندازۀ آن روزها) چند روز دیگری را روزه می‌دارند».

\* \* \*

فضيلت روزه‌ی ماه رمضان­

ماه رمضان، ماه بزرگ و با عظمتی است، در این ماه قرآن نازل گردیده است:

﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ ١٨٥﴾ [البقرة: ١٨٥].

«(آن چند روز محدود و اندک) ماه رمضان است (ماهی) که قرآن در آن نازل شده است، (کتابی) که راهنمای مردم است، و (در بردارنده) نشانه‌ها و دلایل آشکار و روشن از هدایت و جدا کنندۀ حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را (در حضر) دریابد، باید که آن را روزه بدارد».

خداوند قرآن را در شبی از شب‌های رمضان نازل نمود که خیر و برکت آن از هزار ماه بیشتر است، همان‌گونه که خداوندأ می‌‌­فرماید:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ ٢ لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣﴾ [القدر: ۱-۳].

«ما (قرآن را) در شب قدر نازل کردیم و ‏ تو چه می‌دانی شب قدر کدام است (و چه اندازه عظیم است‌؟) ‏شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است».

یعنی عبادت در آن -اگر مورد قبول واقع شود- از عبادت 83 سال و 3 ماه برتر است.

ابن کثیر/ در تفسیر آن می‌‌­فرماید: «مجاهد می‌‌­گوید: شب قدر از هزار ماه که شب قدر در آن‌ها نباشد، برتر است، قتادۀ بن دعامۀ، شافعی و دیگران نیز بر این رأی هستند».

منظور از نزول قرآن در این‌جا، نزول یک‌باره به آسمان دنیا در شب قدر است، تا بعداً به صورت تدریجی در مدت زمان نبوت بر اساس رویدادها و مراحلی‌که پیش روی دعوت بود، بر پیامبر ج نازل گردد.

ابن کثیر/ در تفسیرش آورده است: «و اما قرآن یک‌باره به «بیت العزة» از آسمان دنیا نازل شده، و این اتفاق در شب قدر از ماه رمضان روی داده است، همان‌گونه که خداوندأ می‌‌­فرماید: ﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ١﴾ [القدر: 1]. و پس از آن به صورت تدریجی و بر اساس حوادث بر پیامبر ج نازل گردیده است».

ابن عباسب فرموده است: «قرآن در شب قدر از ماه رمضان، در شبی مبارک نازل گردیده، سپس به صورت منظم و هماهنگ در طول ماه‌ها و ایام نازل شده است». و عکرمهس از ابن عباسب چنین روایت می‌‌­کند: «قرآن در شب قدر از ماه رمضان، یک‌باره به آسمان دنیا نازل شد و خداوند برای پیامبرش آن‌چه بخواهد ایجاد می‌‌­کند، و مشرکین بـا هر سخنی‌که به دشمنـی می‌‌­پرداختند، خداوندأ جواب آنان را نازل می‌نمود».

شب قدر بنا بر فرمودۀ پیامبر ج در شب‌های فرد ده آخر رمضان طلب می‌‌شود پیامبر ج می‌­فرماید: «تَحَرَّوْا لَيْلَةَ القَدْرِ فِي الوِتْرِ، مِنَ العَشْرِ الأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ».

«شب قدر را در شب‌های فرد از دهۀ آخر رمضان جستجو کنید» [صحیح بخاری].

همچنین در حدیث صحیح آمده است: تعدادی از اصحاب پیامبر ج در خواب، شب قدر را در 7 شب آخر رمضان دیدند، که پیامبر ج فرمود:

«أَرَى رُؤْيَاكُمْ قَدْ تَوَاطَأَتْ فِي السَّبْعِ الأَوَاخِرِ، فَمَنْ كَانَ مُتَحَرِّيهَا فَلْيَتَحَرَّهَا فِي السَّبْعِ الأَوَاخِرِ».

«می­بینم‌که خواب‌های‌تان در دیدن شب قدر در هفت شب آخر رمضان یک‌سان است، پس هرکس در صدد یافتن شب قدر است آن را در هفت شب آخر رمضان جستجو کند». [بخاری و مسلم]

و به علت اختلاف مردم در افق و دیدن ماه؛ بگونۀ که بعضی یک روز زودتر و برخی یک روز دیرتر روزه می‌­گیرند، شایسته است ـ برای اطمینان از درک شب قدر ـ آن را در ده شب آخر رمضان جستجو کنیم، چه شب‌های فرد و چه شب‌های زوج. والله أعلم.

و در فضیلت برپا داشتن این شب، پیامبر ج در حدیث صحیح فرموده است:

«مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»[[12]](#footnote-13).

«هر کس شب قدر را به خاطر ایمان به خدا و امید به ثواب و اجر الهی برپا دارد، گناهان گذشتۀ او بخشیده می‌‌شود».

زمان پر برکتی است که وقتش کم و خیرش فراوان است، زود تمام می‌‌شود، پس خوشا به حال کسی‌که آن را مغتنم بشمارد و از آن استفاده کند.

در این ماه دروازه­های بهشت گشوده و درهای جهنم بسته می‌‌شود، و شیاطین به بند و زنجیـر کشیده می‌­شوند، چنان‌که در حدیث، پیامبر ج فرموده است:

«إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ، فُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ إذا جاء رمضان فُتِّحت أبواب الجنة وغُلقت أبواب النيران وصُفدت الشياطين»[[13]](#footnote-14).

«با فرا رسیدن ماه رمضان، در‌های بهشت گشوده و درهای آتش بسته می‌‌شود و شیاطین به زنجیر کشیده می‌­شوند».

همچنین می‌­فرماید: «إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ، وَمَرَدَةُ الجِنِّ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، فَلَمْ يُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ، وَفُتِّحَتْ أَبْوَابُ الجَنَّةِ، فَلَمْ يُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ، وَيُنَادِي مُنَادٍ: يَا بَاغِيَ الخَيْرِ أَقْبِلْ، وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ، وَلِلَّهِ عُتَقَاءُ مِنَ النَّارِ، وَذَلكَ كُلُّ لَيْلَةٍ»[[14]](#footnote-15).

«با فرارسیدن شب اول از رمضان، شیاطین و جن‌های سرکش به زنجیـر کشـیده می‌­شوند و تمامی در‌های جهنم بسته می‌‌شود، به طوری‌که دری باز باقی نمی­ماند و تمامی درهای بهشت گشوده می‌‌شود، به طوری‌که دری بسته نخواهد بود، و کسی ندا می‌­دهد: ای خواهان خیر و ثواب! به سوی خدا و عبادت روی آور، و ای خواهان شر و بدی و فساد! دست بردار، و در این ماه خدا آزاد شدگانی از آتش دارد و این ندا و آزاد شدن در تمامی شب‌های ماه رمضان است».

و می‌­فرماید: «أَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ، تُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَتُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَحِيمِ، وَتُغَلُّ فِيهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ، لِلَّهِ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ»[[15]](#footnote-16)**.**

«ماه مبارک رمضان نزد شما آمد، خداوند روزۀ این ماه را بر شما واجب کرد، در این ماه درهای آسمان گشوده می‌‌شود و درهای جهنم بسته می‌‌شود و شیاطین سرکش زنجیر می‌­شوند، در این ماه خداوند شبی دارد که از هزار ماه، خیر و برکتش بیشتر است هر کس از خیر این شب محروم ماند به حقیقت محروم شده است».

و می‌­فرماید: «إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ، وَسُلْسِلَتِ الشَّيَاطِينُ»[[16]](#footnote-17).

«با آمدن ماه رمضان، درهای آسمان گشوده و درهای جهنم بسته می‌‌شود و شیاطین به زنجیر کشیده می‌­شوند».

در این ماه گناهان بخشیده می‌‌شود چنان‌که در حدیث صحیح، پیامبر ج فرموده است: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»[[17]](#footnote-18).

«هر کس رمضان را با ایمان، و به نیت اجر و پاداش قیامت روزه بگیرد، گناهان گذشتۀ او بخشیده خواهد شد».

و می‌­فرماید: «وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ، مُكَفِّرَاتٌ مَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتُنِبَتِ الْكَبَائِرَ»[[18]](#footnote-19)**.**

«رمضان تا رمضان سبب کفارۀ گناهان بین آن دو است به شرطی‌که از گناهان کبیره خودداری شود».

و می‌­فرماید: «إن جبريل عرضَ لي فقال: بُعداً لمن أدرك رمضان فلم يُغفر له، فقلت: آمين»[[19]](#footnote-20).

«جبرئیل÷ نزد من آمد و گفت: دور باد کسی‌که ماه رمضان را سپری کند و گناهانش بخشیده نشود، و من هم گفتم: آمین».

در فضیلت روزه به طور عموم احادیث زیادی روایت شده است از جمله:

فرمودۀ پیامبر ج: «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ»[[20]](#footnote-21).

«هر کس روزی در راه خدا روزه باشد، خداوند بین او و آتش، خندقی به فاصلۀ آسمان و زمین قرار می‌­دهد».

و فرمودۀ پیامبر ج: «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللهِ زَحْزَحَهُ اللَّهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا»[[21]](#footnote-22).

«هر کس، روزی در راه خدا روزه باشد، خداوند او را هفتاد سال از آتش دور می‌­گرداند».

و از ابو أمامهس روایت است که: «به پیامبر خدا ج گفتم: ای رسول خدا، مرا به عملی ارشاد کن که با انجام آن به بهشت وارد شوم. پیامبر ج فرمود: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَا مِثْلَ لَهُ». وفي رواية: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَا عِدْلَ لَهُ»[[22]](#footnote-23)**.**

«روزه بگیر، زیرا هیچ چیز مثل و مانند روزه نیست». و در روایتی دیگر «روزه بگیر که هیچ چیز با آن برابری ندارد».

و فرمودۀ پیامبر ج: «كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ يُضَاعَفُ، الْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ، يَقُولُ اللَّهُ: إِلَّا الصَّوْمَ؛ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ، يَدَعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِي، لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ، وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ. وَلَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ».

«هر کردار نیکوی انسان ده تا هفتصد برابر ثواب و پاداش دارد، خداوند متعال فرموده است: جز روزه، چون روزه برای من است و من پاداش آن‌را می‌­دهم، شهوت و طعامش را به خاطر من رها می‌­سازد و برای فرد روزه دار دو شادمانی هست: شادمانی در هنگام افطارش و شادمانی در هنگام ملاقات پروردگارش، به خدا سوگند بوی دهان روزه‌دار در نزد خداوند خوشبوتر از بوی مشک است».

و فرمودۀ پیامبر ج:«الصِّيَامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَقُولُ الصِّيَامُ: أَيْ رَبِّ، مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ، فَشَفِّعْنِي فِيهِ، وَيَقُولُ الْقُرْآنُ: مَنَعْتُهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ، فَشَفِّعْنِي فِيهِ»، قَالَ: «فَيُشَفَّعَانِ»[[23]](#footnote-24).

«روزه و قرآن در روز قیامت برای بنده شفاعت می‌­کنند، روزه می‌­گوید: پروردگارا .. او را از خوراک و شهوت باز داشتم، پس شفاعت مرا دربارۀ او بپذیر و قرآن می‌­گوید: او را از خواب شبانه باز داشتم، پس شفاعتم را دربارۀ او بپذیر، پیامبر ج فرمود: شفاعت آنان پذیرفته خواهد شد».

همچنین فرمودۀ پیامبر ج: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَّانُ، يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَدْخُلُ فِيهِ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَدْخُلْ فِيهِ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ فَإِذَا دَخَلَ آخِرُهُمْ أُغْلِقَ، مَنْ دَخَلَ فِيهِ شَرِبَ وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا»[[24]](#footnote-25)**.**

«در بهشت دروازۀ هست که به آن «ریان» گفته می‌‌شود، در روز قیامت تنها روزه‌داران از آن در وارد بهشت می‌­شوند، از آن در، هیچ کس دیگری جز روزه‌داران وارد نمی‌شود، آخرین نفر از روزه‌دارن که وارد بهشت شد، آن در نیز بسته خواهد شد و هر کس از آن در وارد شود، می‌­نوشد و هر کس بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد».

\* \* \*

کسی‌که عمدی و بدون عذر در ماه رمضان روزه نباشد

هر کس در ماه رمضان، عمدی و بدون عذر شرعی معتبر، روزه نباشد مرتکب گناه کبیرۀ بزرگی شده است که مستحق عذاب شدیدی در روز قیامت است، چنان‌که در حدیث آمده که أبو أمامة باهلیس گفته: «از پیامبرص شنیدم‌که فرمود: در حالی‌که خوابیده بودم دو نفر نزد من آمدند و دو بازوی مرا گرفته و مرا به پای کوهی صعب العبور بردند و گفتند: بالا برو، گفتم: توان بالا رفتن از این کوه را ندارم. گفتند: آن را برایت سهل و آسان می‌­کنیم، از کوه بالا رفتم تا به بالای آن رسیدم، ناگهان سر و صداهای بلندی شنیدم، گفتم: این سر و صداها چیست؟ گفتند: این عوعو و زوزۀ جهنمیان است، سپس مرا بردند، ناگهان به گروهی رسیدم‌که از پاهای‌شان آویزان شده­اند، لب‌های‌شان گشاده شده است و از آن خون می‌­ریزد گفتم: اینان چه کسانی هستند؟ گفتند: کسانی‌که قبـل از زمـان افطـار، افطـار می‌­کنند!!».

این عذاب شدید برای کسانی است که قبل از وقت افطار، افطار می‌­کنند، پس حال کسانی‌که در روزۀ رمضان عمداً افطار می‌­کنند، یا اصلاً روزه نمی‌گیرند چگونه خواهد بود؟!!

حال اگر گفته شود: آیا برای کسی‌که عمداً در رمضان روزه نگیرد، قضاء یا کفاره وجود دارد؟

در جواب می‌­گویم: بعضی از اهل علم کفارۀ روزه خوار متعمد را بر کفارۀ کسی‌که با همسرش در روز رمضان جماع ­کند، قیاس کرده­اند، و این اشتباه است، زیرا علت افطار در این دو حالت باهم متفاوت است، و همچنین نصی مبنی بر الزام روزه خوار متعمد به کفاره یا قضاء وجود ندارد. و قول راجح این است که بر کسی‌که عمداً روزه نگیرد، نه کفاره واجب است و نه قضاء، و اگر تمامی روزگار را روزه بگیرد، برابر یک روزۀ رمضان نیست، بلکه بر او واجب است که توبه نصوح کند و همچنین مستحب است که زیاد روزۀ سنت بگیرد و همچنین در راه‌های خیر، فراوان صدقه دهد. والله أعلم.

\* \* \*

معنی صيام (روزه)

بعد از بیان حکم روزه و فضیلت ماه رمضان و سزای کسی‌که عمداً روزه نباشد، به اذن و توفیق خداوندأ، به بیـان احکام و مسـائل مربوط به روزه به صـورت تفصیلی می‌­پردازیم.

روزه (صوم) در لغت یعنی امساک و خود‌داری، و در شرع یعنی خودداری از چیزهایی‌که روزه را باطل می‌­کند از طلوع فجر صادق تا غروب آفتاب، همراه با نیت و قصد روزه.

\* \* \*

مبطلات روزه

ارتداد:

اگـر مسلمان روزه‌داری به وسیلۀ قول، فعل یا اعتقادی، مرتد شود، روزه­اش باطل می‌‌شود، زیرا خداوندأ می‌­فرماید:

﴿وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٨٨﴾ [الأنعام: ٨٨].

«واگر آنان شرک ورزیده بودند، قطعاً آن‌چه انجام می‌­دادند از دست‌شان می‌­رفت و باطل می‌­شد».

همچنین اگر فردی تارک نماز باشد، روزه­ا­ش قبول نیست.

خوردن و نوشیدن به صورت عمدی:

هرکس عمداً خوراکی و یا نوشیدنی یا ... را داخل شکمش کند، روزه­اش باطل شده است، و همین­طور اگر آمپول و سرنگ غذایی مصرف کند، حکم آن مانند حکم خوراک و آشامیدنی است.

اما کسی‌که ناخواسته و از روی فراموشی چیزی بخورد یا بنوشد، روزه‌اش باطل نشده و باید روزه­اش را تکمیل کند، زیرا پیامبر ج فرموده است:

«رُفع عن أمتي الخطأ، والنسيان، وما استُكرهوا عليه»[[25]](#footnote-26).

«خداوند از خطا، فراموشی و اکراه امتم درگذشته است».

«**إذا نسي فأكلَ وشرِبَ فليتمَّ صومَهُ؛ فإنما أطعمه الله وسقاه».**

«هرگاه روزه‌دار از روی فراموشی، خورد و نوشید، روزه­اش را تکمیل کند زیرا خداوند او را خورانده و نوشانده است» [متفق علیه].

جماع و هم‌بستری:

علما اتفاق نظر دارند که هرکس با همسرش در روزهای ماه رمضان همبستر شود، روزه­اش باطل می‌‌شود و کفارۀ آن آزاد کردن یک برده است، اگر نتوانست باید دو ماه پشت سر هم روزه باشد، و اگر نتوانست باید شصت مسکین را طعام بدهد، چنان‌که أبوهریرة روایت کرده است:

**«بينما نحن جلوس عند النبي ج إذا جاء رجلٌ، فقال: يا رسول الله هلكتُ، قال: ما لك؟ قال: وقعتُ على امرأتي وأنا صائم. فقال رسول الله ج: هل تجد رقبةً تعتقها؟ قال: لا، قال: فهل تستطيع أن تصوم شهرين متتابعين؟ قال: لا، قال: هل تجدُ إطعام ستين مسكيناً؟ قال: لا. قال: فمكث النبي ج فبينا نحن على ذلك أُتي النبي ج بِعَرقٍ فيها تمر -والعَرَق: المِكتل- قال: أين السائل؟ فقال: أنا. قال: خذ هذا فتصدّق به. فقال الرجل: على أفقر مني يا رسول الله؟ فوالله ما بين لابتيها -يريد الحرتين- أهل بيتٍ أفقرُ من أهل بيتي. فضحك النبي ج حتى بدت نواجذه ثم قال: أطعمه أهلكَ». وفي رواية: «وصم يوماً مكانه»** [متفق علیه].

«نزد پیامبر ج نشسته بودیم‌که مردی آمد و گفت: ای رسول خدا هلاک و نابود شدم. پیامبر ج فرمود: تو را چه شده است؟ گفت: با زنم همبستر شده­ام در حالی‌که روزه بوده­ام. پیامبر ج فرمود: آیا می‌­توانی برده­ای را آزاد کنی؟ گفت: نه، پیامبر ج فرمود: می‌­توانی دو ماه پشت سر هم روزه بگیری؟ گفت: نه، فرمود: می‌‌توانی شصت مسکین را غذا بدهی؟ گفت: نه، پیامبر ج چند لحظۀ مکث نمود، در همین حال بودیم‌که زنبیلی از خرما نزد پیامبر آورده شد، پیامبر ج فرمود: سؤال کننده کجاست؟ آن مرد گفت: منم، فرمود: این را بگیر و صدقه بده، گفت: بر فقیرتر از خودم صدقه کنم؟ ای رسول خدا! به خدا سوگند در مدینه خانواده­ای فقیرتر از خانوادۀ من نیست. پیامبر ج خندید چنان‌که دندان‌های عقلش نمایان شد، سپس فرمود: آن را به خانواده­ات بده» و در روایتی دیگر «و یک روز به جای آن روزه بگیر».

استفـراغ به صورت عمدی:

هر کس عمداً قی کند، روزه­اش باطل می‌‌شود و باید روزی به جای آن روزه باشد، اما اگر کسی بی اختیار استفراغ نمود، اشکالی ندارد، به دلیل فرمودۀ پیامبر ج:

«من ذرعه قيء وهو صائم فليس عليه قضاء، وإن استقاء فليقضِ»[[26]](#footnote-27).

«هرکس در حال روزه، بی­اختیار استفراغ از دهانش بیرون­آمد، لازم نیست روزه­اش را قضا کند و کسی‌که عمداً استفراغ نمود، باید روزه­اش را قضا کند».

خارج شدن خون حیض و نفاس:

همین‌طور اگر در روز ماه رمضان خون حیض، زن روزه‌دار را غافلگیر کند، روزه­اش باطل شده و باید روزه­اش را باز کرده و بعداً آن را قضا کند، چنان‌که درحدیث آمده که عایشهل فرموده است: «ما به عادت ماهانه مبتلا می‌­شدیم، ما مأمور به قضای روزه بودیم ولی به قضای نماز امر نشده‌ایم».

\* \* \*

وجوب سپری کردن شب همراه با نيت

برای روزۀ فرض رمضان، واجب است که فرد قبل از فجر، نیت روزه داشته باشد، به دلیل فرمودۀ پیامبر ج:

«من لم يُبيت الصيام من الليل فلا صيام له»[[27]](#footnote-28).

«کسی‌که شب نیت روزه نداشته باشد، برای او روزه محسوب نمی‌شود».

و فرمودۀ ایشان ج: «من لم يُجمع الصيام قبل الفجر فلا صيام له»[[28]](#footnote-29).

«هر کس قبل از فجر ارادۀ روزه گرفتن نداشته باشد، برای او روزه محسوب نمی‌شود».

و در مورد نیت، تلفظ آن لازم نیست و انعقاد آن در قلب کافی است.

بر خلاف روزۀ سنت که نیت در خلال روز نیز جایز است، پیامبر ج به میان خانواده­اش می‌­آمد و می‌­فرمود: «آیا نهار دارید می‌­گفتند: نه، می‌فرمود: پس من روزه هستم».

\* \* \*

سحری و اهميت آن

خوردن و آشامیدن سحری، سنت است و به آن تأکید شده است. پیامبرج فرموده­اند: «هلموا إلى الغداء المبارك»[[29]](#footnote-30).

«به سوی غذایی دارای خیر و برکت (سحری) بشتابید».

و می‌­فرماید: «تسحروا فإن السحور بركة»[[30]](#footnote-31).

«سحرگاه، غذا بخورید چرا که در سحری خیر و برکت است».

و می‌­فرماید: «إن الله وملائكته يصلون على المتسحرين»[[31]](#footnote-32).

«همانا خداوند و فرشتگانش بر سحری‌کنندگان صلوات (آمرزش از جانب خدا و دعای خیر از جانب ملائکه) می‌­فرستند».

و می‌­فرماید: «تسحروا ولو بجرعة ماء».

«سحری بخورید اگرچه جرعۀ آب هم باشد».

و می‌­فرماید: «السحور أكلةُ بركة فلا تدعوه ولو أن يجرع أحدكم جرعة ماء».

«سحری خوردنی با برکتی است، آن را رها نسازید، حتی اگر جرعۀ آب نوشیده باشید».

همچنین سحری روزۀ مسلمانان را از روزۀ اهل کتاب متمایز می‌­سازد، چنان‌که پیامبر ج فرموده:

**«فصلٌ ما بين صيامنا وصيام أهل الكتاب أكلةُ السّحر**».

«جداکنندۀ روزۀ ما با روزۀ اهل کتاب سحری است».

لازم است که مسلمانان به خاطر مخالفت با اهل کتاب بر انجام این عمل حریص باشند.

\* \* \*

وقت سحری

مستحب است که سحری تا کمی قبل از ظهور فجر صادق به تأخیر انداخته شود، به دلیل فرمودۀ خداوندأ:

﴿وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلۡخَيۡطُ ٱلۡأَبۡيَضُ مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ ٱلۡفَجۡرِۖ ثُمَّ أَتِمُّواْ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيۡلِۚ ١٨٧﴾ [البقرة: ١٨٧].

«و بخورید و بیاشامید تا رشتۀ سپید بامداد از رشتۀ سیاه (شب) برشما نمودار شود، سپس روزه را تا (فرا رسیدن) شب به اتمام رسانید».

زید بن ثابتس فرموده است: «همراه پیامبر ج سحری می‌­خوردیم، سپس پیامبر ج برای نماز بلند شد، انس­گفت: بین اذان و سحری چقدر فاصله بود؟ فرمود: به اندازۀ تلاوت پنجاه آیه».

نکتۀ قابل توجه این است که فجر دو نوع است:

فجر کاذب:

با ظهور آن نمـاز صبح خوانده نمی‌شود و خوردن سحری حـرام نمی‌شود و به صورت سپیدی در آسمان منتشر است، ابتدا به سمت بالا و سپس به سمت پایین می‌­آید.

فجر صادق:

با ظهور آن نماز صبح جایز و خوردن و همبستری حرام می‌‌شود و به صورت قرمزی‌که تمامی سطح افق را قبل از طلوع آفتـاب در جهت شـرقی در بر می‌­گیرد، نمایان می‌‌شود. پیامبر ج فرمود:

«كلوا واشربوا، ولا يهيدنَّكم -أي لا يزعجنكم فيمنعنكم- الساطع المصعّد، فكلوا واشربوا حتى يعترض لكم الأحمرُ»[[32]](#footnote-33).

«بخورید و بیاشامید، نوری‌که به صورت عمودی در آسمان منتشر و به سمت بالا می‌­رود، شما را از خوردن باز ندارد، بخورید و بیاشامید تا نور قرمز پدیدار شود».

و فرمود: «لا يغرنّكم أذانُ بلال، ولا هذا البياض لعمود الصبح حتى يستطير».

«اذان بلال و سپیدی‌که عمودی منتشر می‌‌شود شما را باز ندارد، مگر به صورت افقی منتشر شود» [مسلم].

اگر دچار تردید شدی و توانایی تشخیص فجر صادق از کاذب را نداشتی، می‌­توانی تا رسیدن به یقین در فجر صادق، بخوری. ابن عباسب فرموده است: «هنگامی­که شک کردی، خداوند خوردن و نوشیدن را برای تو حلال گردانیده است».

همچنین اگر اذان صبح را شنیدی و لقمۀ در دهان یا کاسۀ آب، در دست داشتی به آرامی لقمه را قورت بده و آب را بنوش، برخلاف گفتۀ بعضی افراد جاهل‌که می‌‌گویند: در این حال باید لقمه را از دهانش تف کند!!

پیامبر ج فرموده:

«إذا سمع أحدكم النداء والإناء في يده فلا يضعه حتى يقضي حاجته منه»[[33]](#footnote-34).

«هرگاه یکی از شما اذان را شنید در حالی‌که ظرفی در دست داشت، آن را زمین نگذارد تا نیازش را برآورده می‌­کند».

و أبوأمامةس فرموده است: «برای نماز اذان داده شد و کاسه­ای در دست امام عمر بود، گفت: ای رسول خدا بنوشم؟ پیامبر فرمود: بله، و نوشید».

از این روایت، باطل بودن تعیین وقت برای امساک، (چنان‌که در کشورهای مختلف رایج است، به شیوه­ای که مردم را بیست دقیقه قبل از اذان دوم و شاید بیشتر به ادعای احتیاط وادار به امساک می‌­کنند) فهمیده می‌‌شود، تازه این وقتِ ممنوع شده، همان وقت مبارک و مناسب برای سحری است که در احادیث به آن اشاره شد.

امام بخاری/ از أم المؤمنین عایشهل روایت کرده که بلالس شب هنگام، اذان اول را می‌­داد، پیامبر ج فرمود:

«**كلوا واشربوا حتى يؤذن ابنُ أمِّ مكتوم؛ فإنه لا يؤذن حتى يطلعَ الفجر».**

«بخورید و بیاشامید تا ابن ام مکتوم اذان می‌­دهد، زیرا او در هنگـام طلوع فجر اذان می‌­دهد». قاسم ابن محمّد گفته: «فاصلۀ بین اذان آن دو، تنها به اندازۀ پایین آمدن بلال و بالا رفتن ابن ام مکتوم بود».

با وجود این فاصلۀ خیلی کم میان اذان بلال و ابن ام مکتوم، پیامبر ج به مسلمانان امر کرده که هنگام اذان بلال بخورند و بنوشند، اذان او شب هنگام محسوب می‌­شد!!

و نیز چنین برداشت می‌‌شود که تعیین وقت شرعی برای امساک و اذان دادن، طلوع فجر صادق است نه اوقاتی‌که بر طبق ستاره­شناسی یک‌سال قبل از حلول ماه رمضان و به وسیلۀ افرادی‌که دین و عدالت‌شان ناشناخته است ـ تعیین می‌‌شود، و مردم را بیست دقیقه یا بیشتر قبل از طلوع فجر صادق وادار به امساک، اذان و اقامه می‌­کند!!

در اذان اول، بیست دقیقه مسلمانان را با ادعای احتیاط، از خوردن و نوشیدن محروم می‌­کنند، و در اذان دوم، بیست دقیقه قبل از فجر صادق و زمان شرعی و دقیق، اذان می‌­دهند. پس مـجموع زمانی‌کـه مسلمانان را از خوردن و نوشیدن مـحروم می‌‌کنند، چهل دقیقه قبل از طلوع فجر صادق است!!

\* \* \*

افطار

زمان افطار

زمان شرعی برای افطار، غروب قرص خورشید است، و هرگاه خورشید غروب کرد، روزه‌دار افطار می‌­کند، بنا به فرمودۀ پیامبر ج:

«**إذا أقبل الليل من هاهنا وأدبر من هاهنا، وغربت الشمس فقد أفطر الصائم»**.

«هرگاه شب از طرف مشرق روی آورد و روز از طرف مغرب سپری شد و خورشید غروب کرد، روزه‌دار افطار می‌­کند». [متفق علیه]

«پیامبر ج هنگامی‌که روزه بود، به فردی دستور داد که به بالای بلندی برود و هرگاه خبر می‌­داد خورشید غروب کرده است، پیامبر ج افطار می‌نمود».

تعیین وقت شرعی برای وقت افطار، اینچنین است نه تعیین وقت فلکی‌که در اکثر اوقات اشتباه است. با این وجود مسلمانان زیادی تعیین اوقات فلکی را بر تعیین اوقات شرعی ترجیح می‌­دهند، با وجود این‌که می‌دانند تعیین اوقات فلکی اشتباه می‌­کند و غالباً ده دقیقه بعد از غروب خورشید می‌­باشد!!

اما اگر به علت بلندی ساختمان‌ها در سرزمین مسلمانان که مانع رؤیت غروب خورشید می‌‌شود یا سایر اسباب دیگر، فردی نتوانست به تنهایی یا به کمک دیگران، غروب خورشید را تشخیص دهد، می‌­تواند به تعیین اوقات فلکی اعتماد کند، امیدوارم در این حالت گناهی بر او نباشد،إن شاء الله.

\*\*\*

مستحب‌بودن عجله در افطار

عجله در افطار سنت است، بنا بر فرمودۀ پیامبر ج:

«لا تزال أمتي بخير ما عجلوا الفطور»[[34]](#footnote-35) .

«امتم تا زمانی‌که در افطار عجله می‌­کنند بر خیر هستند» [متفق علیه].

و همچنین پیامبر ج می‌­فرماید:

«لا يزال الدين ظاهراً ما عجّل الناس الفطر؛ لأن اليهود والنصارى يؤخرون»[[35]](#footnote-36).

«این دین تا زمانی‌که مردم در افطار عجله می‌­کنند غالب و چیره است، زیرا یهود و نصاری افطار را به تأخیر می‌­اندازند».

و می‌­فرماید: «قال الله عز وجل إن أحب عبادي إلي أعجلهم فطراً»[[36]](#footnote-37).

«دوست داشتنی­ترین بندگان نزد من، کسانی هستند که در افطار عجلۀ بیشتری می‌­کنند».

البته، عجله در این‌جا نباید به معنای تعجیل افطار قبل از غروب کامل قرص خورشید، فهمیده شود.

و می‌­فرماید: «ثلاثٌ من أخلاق النبوة: تعجيل الإفطار، وتأخير السحور، ووضع اليمين على الشمال في الصلاة»[[37]](#footnote-38).

«سه چیز از اخلاق نبوت است؛ تعجیل در افطار، تأخیر در سحری، و قرار دادن دست راست بر روی دست چپ در نماز».

و می‌­فرماید: «لا تزال أمتي على سنتي ما لم تنتظر بفطرها النجوم»[[38]](#footnote-39).

«امت من تا زمانی‌که در افطار منتظر ظهور ستارگان در آسمان نمی‌شوند، بر سنت من هستند». (چنان‌که شیعیان رافضی این­گونه هستند و افطار را (به پیروی از یهود و نصاری و به مخالفت با اهل سنت و جماعت) تا بعد از غروب خورشید، هنگامی‌که ستارگان در وسط آسمان پدیدار می‌شوند به تأخیر می‌­اندازند)!!

\* \* \*

مستحب بودن افطار با خرما يا آب

بنا به فرمودۀ پیامبر ج:

**«من وجد تمراً فليفطر عليه، ومن لم يجد تمراً فليفطر على الماء فإنه طهور[[39]](#footnote-40). ثم يقوم فيصلي الصلاة لوقتها** ..».

«هر کس خرمایی را یافت، با خرما افطار کند وگرنه با آب افطار کند، زیرا پاک است، سپس برخیزد و نماز را در وقتش بخواند ..».

همچنین پیامبر **ج** می‌­فرمود: «ذهب الظمأ، وابتلت العروق، وثبت الأجر إن شاء الله»[[40]](#footnote-41)**.**

«تشنگی برطرف شد و رگ‌ها (به سبب رفع عطش) بهبود یافتند و خستگی بر طرف شد و به خواست خدا ثواب و پاداش حاصل شد».

\* \* \*

اموری‌که انجام آن برای روزه‌دار اشکالی ندارد­

در این‌جا اموری هست که انجام دادن آن برای روزه‌دار اشکالی ندارد از جمله:

بوسیدن و معاشرت و همبسترشدن بدون جماع:

أم المؤمنین عایشهل فرموده است:

**«كان النبي ج يُقبل ويُباشر وهو صائم، وكان أملككم لإربه**» [متفق علیه].

«پیامبر می‌­بوسید و معاشرت می‌­کرد، در حالی­که روزه بود، و پیامبر از همۀ شما بیشتر بر شهوت و حاجتش کنترل و تسلط داشت».

حکیم بن عقال گفته است: سَأَلْتُ عَائِشَةَ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ: مَا يَحْرُمُ عَلَيَّ مِنِ امْرَأَتِي وَأَنَا صَائِمٌ؟ قَالَتْ: « فَرْجُهَا»[[41]](#footnote-42)**.**

«از عائشه پرسیدم: در حال روزه چه چیز از زنم بر من حرام است؟ جواب داد: شرمگاهش».

و از عمر بن خطابس روایت است که فرمود: هشِشْتُ فقبَّلتُ وأنا صائم، فقلت: يا رسولَ الله، صنعتُ اليومَ أمراً عظيماً؛ فقبلت وأنا صائم، قال: «أرأيت لو مضمضتَ من الماء وأنت صائم؟» قلت: لا بأس به، قال: «فمه؟».

«خوش‌حال شدم و بوسه زدم در حالی‌که روزه بودم، پس گفتم: یا رسول الله، امروز خطای بزرگی مرتکب شدم؛ بوسه زدم در حالی‌که روزه بودم، پیامبرص فرمود: چطور می‌­بینی اگر با آب مضمضه کنی در حالی‌که روزه هستی؟ گفتم: این کار اشکالی ندارد، فرمود: پس دیگر چه؟»[[42]](#footnote-43).

اما من باب سد ذرائع[[43]](#footnote-44) به جوانان و کسانی‌که تازه ازدواج کرده­اند بوسه زدن و مباشرت با همسر به هنگام روزه‌داری توصیه نمی‌شود، بخاطر حدیثی‌که أبوهریرة روایت می‌­کند که:

«أن رجلاً سأل النبي ج عن المباشرة للصائم، فرخص له، وأتاه آخر فنهاه؛ فإذا الذي رخَّص له شيخ، والذي نهاه شاب»[[44]](#footnote-45).

«شخصی از پیامبر ج در مورد مباشرت روزه دار با همسرش، سؤال کرد، پیامبر ج به او رخصت این کار را دادند، شخص دیگری به نزد پیامبر ج آمد و پیامبر او را از این کار نهی کردند، زیرا کسی‌که به او رخصت داد یک پیرمرد بود، و کسی او را از این کار نهی کرد یک جوان بود».

استعمال سواک و مسواک بدون استعمال و زیاده­روی:

امام بخاری/ روایت کرده است: «پیامبر ج در حال روزه سواک استعمال کرده­اند و ابن عمرب فرموده است: در اول و آخر روز سواک استعمال می‌‌شود، ولی آب آن بلعیده نمی‌شود». و عطاء گفته: «اگر آب دهانش را ببلعد، نمی­گویم باید افطار کند». و ابن‌سیرین گفته: «استعمال سواک تر و تازه اشکالی ندارد. گفته شد: سواک تازه دارای طعم و مزه است؟ گفت: آب هم مزه دارد در حالی‌که با آن ضمضمه می‌­کنی».

حجامت و خارج‌نمودن خون فاسد و همین­طور اهداء خون و شستن کلیه برای بیماران دیالیزی:

امام بخاری/ روایت کرده: ابن عباسب فرموده است:

«إحتجم النبي ج وهو صائم».

 «پیامبر ج در حالت روزه، حجامت نموده است».

ابن عباس و عکرمهب گفته­اند: «روزه از چیزی‌که وارد بدن می‌‌شود باطل می‌‌شود نه از چیزی‌که خارج گردد».

و این‌فرمودۀ پیامبرج که: «أفطر الحاجم والمحجوم». یعنی «حجامت‌کننده و حجامت‌شونده هردو روزه می‌­گشایند»، به دلیل فعل پیامبر ج منسوخ می‌­باشد، همان‌گونه که در حدیث امام بخاری/ در بالا ثابت شده است، ونیز به دلیل فرموده‌اش که در حدیثی از سعیدالخدری روایت است که می‌گوید:

**«رخّص رسول الله ج في القبلة للصائم، والحجامة**».

«رسول الله ج در مورد بوسیدن وحجامت، به روزه‌دار رخصت داده است». و رخصت بعد از عزیمت و حظر می‌­باشد.

استنشاق و مضمضه (آب به بینی و دهـان زدن) بدون مبالغه:

بنا به فرمودۀ پیامبر ج:

«**بالغ في الاستنشاق إلا أن تكون صائماًً».**

«در استنشاق مبالغه کن مگر این‌که روزه باشی».

از این حدیث چنین فهمیده می‌‌شود که استنشاق برای روزه‌دار نیز جایز است، اما بدون مبالغه.

امام بخاری/ آورده است که: «حسن بصری گفته: برای روزه‌دار مضمضه و خود را با آب خنک کردن مانعی ندارد» [ترمذی 718].

در بالا حدیث عمرس که جایز بودن مضمضه برای روزه دار را می‌­رساند، ذکر شد.

شستن سر، حمام‌کردن و شنا:

امام‌بخاری/ نقل کرده است که أم‌المؤمنین عایشهل فرموده است: «كان النبي ج يُدركه الفجر جُنباً في رمضان من غير حُلم فيغتسل ويصومَ».

«پیامبر ج در رمضان صبح می‌­کرد در حالی‌که به سبب هم‌بستری، جنب بود، سپس غسل می‌­نمود و روزه می‌­گرفت».

ابن عمرس در حال روزه لباسی را خیس کرده و بر خود می‌­انداخت. شعبی در حال روزه به حمام رفته است. انسس گفته است: «من حوضی سنگی داشتم‌که در حال روزه خود را به داخل آن می‌­انداختم».

اگر پرسیده شود: اگر اشتباهاً آب وارد حلق شد؟

در جواب گفته می‌­گویم: اشکالی ندارد، چون خداوندأ فرموده است:

﴿وَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٞ فِيمَآ أَخۡطَأۡتُم بِهِۦ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتۡ قُلُوبُكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمًا٥﴾ [الأحزاب: ٥].

«ودر آن‌چه اشتباهاً مرتکب آن شده­اید بر شما گناهی نیست، ولی در آنچه دل‌های‌تان عمد داشته است (مسئولید) وخدا همواره آمرزندۀ مهربان است».

پیامبر ج فرموده: «رفع عن أمتي الخطاء».

«خداوند از خطای امتم در گذشته است».

امام بخاری/ از عطا نقل کرده است که: «اگر آب به بینی زده و آب در حلقش فرو رفت مانعی ندارد و روزه­اش باطل نمی‌شود، به شرطی‌که توانایی دفع آب را نداشته باشد».

چشیدن غذا بدون بلعیدن:

امام بخاری/ از ابن عباسب نقل کرده است که: «چشیدن غذا مانعی ندارد». و گفته: «چشیدن سرکه یا غیره در حال روزه مانعی ندارد، اگر داخل حلق نشود».

سرمه کشیدن و عطر زدن و همین طور قطره‌ی چشم:

امام بخاری**/** فرموده است: «انس و حسن و ابراهیم، در استفاده از سرمـه برای روزه‌دار، مانعی نمی­دیدند». و از ابن مسعودس چنین روایت کرده است که: «هر روز که یکی از شما روزه بود، روغن زده و شانه کرده صبح کند».

ابن حجر: گفته است: «سلف برای روزه‌دار، آراستن با شانه کردن و روغن زدن و سرمه کشیدن و غیره را مستحب می‌­دانستند» [فتح الباری: 4/183].

سوزن و سرنگ غیر غذایی:

تمامی این‌ها تا زمانی‌که به معده نرسد و دارای ارزش غذایی نباشد اشکالی ندارد و اصل در این امور نو پیدا، مباح بودن است مگر دلیلی بر تحریم آن باشد. والله أعلم.

\* \* \*

موارد رخصت برای روزه نگرفتن

روزه نگرفتن در ماه رمضان برای مریض و مسافر جایز است، بنا به فرمودۀ خداوندأ:

**﴿**فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ ١٨٥**﴾** [البقرة: ١٨٥].

«هرکس از شما این ماه را درک کرد باید آن را روزه بدارد و کسی‌که بیمار یا در سفر است (باید به شمارۀ آن) تعدادی از روزهای دیگر (را روزه بدارد) خدا برای شما آسانی می‌­خواهد و برای شما دشواری نمی­خواهد».

و در حدیث پیامبر ج فرموده است:

«ليس من البر الصيام في السفر».

«روزه گرفتن در سفر نشانۀ نیکی نیست».

و همچنین برای مجاهد در حال پیکار با دشمن**،** روزه نگرفتن جایز است؛ بنا بر فرمودۀ پیامبر ج:

«**إنكم ملاقو عدوكم والفطر أقوى لكم فأفطروا ».**

«شما فردا با دشمن رو به رو می‌­شوید و روزه نداشتن برای قوی بودن شما بهتر است».

اگر گفته شود بیماری و سفری‌که افطار را جایز می‌­کند، باید دارای چه شرایطی باشد؟ و آیا افطار رخصت است یا واجب؟

در جواب می‌­گویم: هر بیماری‌که مشقت و سختی را برای بیمار به همراه بیاورد، روزه نگرفتن، رخصت و جایز است و هر بیماری‌که روزه، آن را شدیدتر می‌­کند، روزه نگرفتن در این حالت واجب است، چون در اسلام نه ضرر هست و نه دفع ضرر با ضرر. (لا ضرر و لاضرار).

همین‌طور سفر ـ سفری‌که در عرف به آن سفر گفته می‌‌شود، بدون در نظر گرفتن مسافت آن، روزه گرفتن در آن رخصت است ـ اگر خواست روزه بگیرد و اگر خواست روزه نگیرد، اما اگر سفر آنقدر سخت و دشوار باشد که منجر به تلف شدن و درماندن مسافر روزه‌دار می‌‌شود، در این حال روزه نگرفتن واجب است.

چنان‌که در حدیث از جابرس آمده است که پیامبر ج از کنار فردی گذشت که در سایۀ درختی، بر او آب می‌­پاشند، فرمود: «دوست‌تان چرا این‌گونه شده است؟» گفتند: ای رسول خدا روزه است. فرمود:

«إنه ليس من البر أن تصوموا في السفر، وعليكم برخصة الله التي رخَّص لكم فاقبلوها»[[45]](#footnote-46).

 «روزه گرفتن شما در سفر نشانۀ نیکی نیست، رخصتی را که خداوندأ در حق شما نموده، قبول کنید».

و همچنین فرموده است: «إن الله تبارك وتعالى يُحبُّ أن تؤتي رُخصَة كما يكره أن تُؤتَي معصيتُه»[[46]](#footnote-47)**.**

«همانا خداوند تبارک و تعالی دوست دارد به رخصت‌هایش عمل شود، همان‌گونه که دوست ندارد از وی نافرمانی شود».

جهاد نیز همین طور است، هر اندازه که افطار روزه‌دار، باعث شود برای رویارویی با دشمن قوی‌تر باشد، به همان اندازه افطار به وجوب نزدیک‌تر است، چنان‌که در حدیث، ابوسعید خدریس فرموده است:

«با پیامبر ج در حالی‌که روزه بودیم به سوی مکه مسافرت کردیم، در جایی اتراق کردیم، پیامبر ج فرمود:

«إنكم قد دنوتم من عدوكم، والفطر أقوى لكم».

«همانا به دشمن نزدیک شده­اید، افطار باشید، قوی‌تر هستید».

این فرمان پیامبر ج رخصت بود، برخی روزه بودند و برخی روزه را باز نمودند، به منزلی دیگر رسیدیم، پیامبر ج فرمود:

«**إنكم مصبحوا عدوكم والفطر أقوى لكم فأفطروا**».

«شما در جنگ با دشمن هستید و روزه نگرفتن قوی‌تر است، پس روزه‌هایتان را باز کنید».

این فرمان پیامبر ج عزیمت بود، از آن به بعد هم در سفر همراه با پیامبرج روزه می‌­گرفتیم» [به روایت مسلم].

حمزه ابن عمرو اسلمی، مردی بود که زیاد روزه می‌­گرفت از پیامبر ج پرسید: «آیا در سفر روزه بگیرم؟» فرمود: «إن شئت فصُم، وإن شئتَ فأفطر».

«اگر خواستی روزه بگیر و اگر خواستی نگیر».

پس روزه گرفتن بستگی به مشقت و نوع مشقت و اثر و عواقب آن دارد، و بر این اساس، رخصت یا عزیمت بودن افطار تعیین می‌‌شود.

و همچنین برای زن در حال حیض:

بر وی واجب است که روزه نگیرد و بعد از رمضان قضای آن را به جای آورد، چنان‌که در حدیث، أم­المؤمنین عایشهل فرموده است:

**«كان يُصيبنا ذلك -أي الدورة الشهرية- فنؤمر بقضاء الصوم، ولا نؤمر بقضاء الصلاة**».

«ما به عادت ماهانه مبتلا می‌­شدیم، ما مأمور به قضای روزه بودیم ولـی به قضای نمـاز امر نشده­ایم».

و همین‌طور زن حامله و شیرده: این دو گروه نباید روزه بگیرند و در مقابل باید در ازای هر روز یک نفر مسکین را خوراک دهند، و قضا به جا نمی­آورند بنا بر فرمودۀ پیامبر ج:

«إن الله وضع عن المسافر الصوم، وشطر الصلاة، وعن الحامل والمرضع الصوم»[[47]](#footnote-48).

«خداوند روزه و نیمی از نماز را از گردن مسافر انداخته و روزه را از گردن زن حامل و شیرده» [ترمذی روایت نموده و آن را حسن دانسته است].

ابن عمر و ابن عباسل و دیگران بر همین رأی هستند، ابن عباسس گفته: «هنگامی‌کـه در رمضـان زن حامله از خود و زن شیرده از بچـه­اش ترسید، روزه نمـی‌گیرند و در ازای هر روز به یک مسکین خوراک می‌­دهند و قضای روزه را به جایی نمی­آورند». از ابن عمرس نیز قولی مشابه قول ابن عباسل روایت شده است.

بنده می‌­گویم: این زمانی است که مادر، فرزندش را یک سال کامل، یا دو سال تمام شیر بدهد؛ همان‌طور خداوندأ می‌­فرماید:

﴿۞وَٱلۡوَٰلِدَٰتُ يُرۡضِعۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ حَوۡلَيۡنِ كَامِلَيۡنِۖ لِمَنۡ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَۚ٢٣٣﴾ [البقرة: ٢٣٣].

«مادران، دو سال تمام، فرزندان خود را شیر می‌دهند، هرگاه یکی از والدین یا هر دوی ایشان خواستار تکمیل دوران شیرخوارگی شوند».

بنا بر این روزهای زن حامله کلاً بین حاملگی وشیردهی است، لذا سال تمام می‌‌شود و او هنوز در حالت شیردادن به کودک است. لذا این زن اجازه دارد که به ازای هر روزی‌که روزه می‌­گشاید، فقیری را طعام بدهد؛ زیرا نه توانایی و نه وقت قضا را دارد. اما اگر کودک خود را به مدت چند ماه شیر می‌­داده که این عادت غالب زنان امروزی است و بعد از آن شیردادن را قطع کند، تا یک یا دو سال را به کمک شیر گاو تکمیل کند .. او چنانچه در رمضان بخاطر شیردادن، روزه گشود، بر او قضا واجب است، و طعام دادن برای او جایز نیست؛ زیرا او وقت و توانایی قضا را در حالتی غیر از حاملگی و شیردهی دارا می‌­باشد. والله تعالی أعلم.

و همچنین مرد سالخورده و زن سالخورده:

اگر توانایی روزه نداشته باشند، روزه نمی­گیرند و فقط به جای هر روز، به یک فقیر خوراک می‌­دهند، و این رأی ابن­عباسس و علمای دیگر می‌باشد. امام بخاری/ روایت کرده: «عطاء از ابن عباسس شنیده که ایشان این آیه را تلاوت می‌­کرد ﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖۖ ١٨٤﴾ [البقرة: ١٨٤].

«و بر کسانی‌که (روزه) بر آن‌ها طاقت فرساست کفاره­ای است که خوراک دادن به بینوایی است».

و ابن عباس گفت: «این آیه منسوخ نیست بلکه در حق زن و مرد سالخورده است که توانایی روزه گرفتن را ندارند و به ازای هر روز به یک مسکین خوراک می‌­دهند».

\* \* \*

قضای روزه‌ی ماه رمضان

قضای روزه­های از دست رفتۀ ماه رمضان واجب است، و لازم نیست فوراً بعد از ماه رمضـان اداء شـود و به صورت جدا یا پشت سر هم نیز اشکالی نـدارد، چنان‌که أم­المؤمنین عایشهل در حدیث متفق علیه فرموده است: «روزۀ ماه رمضان بر من مانده بود و تنها در شعبان می‌­توانستم قضای آن را اداء کنم».

از امام احمد/ دربارۀ قضای ماه رمضان پرسیده شد، جواب داد: «اگر خواست با فاصله از هم روزه بگیرد و اگر خواست پشت سرهم».

اگر کسی­که بر او روزه باشد، وفات کند، سرپرستش می‌­تواند به جای او روزه بگیرد، بنا بر فرمودۀ پیامبر ج: «من مات وعليه صيامٌ، صام عنه وليُّهُ».

«هرکس بمیرد و بر گردن او روزه­ای باشد سرپرستش می‌­تواند به جای او روزه بگیرد» [متفق علیه].

اما اگر از کسانی باشد که معذور هستند، و باید در ازای هر روز به یک مسکین غذا بدهند، بر سرپرست او واجب است که به جای او خوراک بدهد و روزه بر او واجب نیست.

\* \* \*

مواردی‌که روزه‌دار بايد از آن دوری کند­

روزه‌دار برای این‌که از روزه فایده و بهرۀ کامل ببرد، واجب است علاوه بر ترک خوردن و آشامیدن، از ناسزاگویی و انجام اعمال ناپسند و گناه دوری کند، این گناهان اگرچه ترک آن در همۀ اوقات واجب است، در ماه رمضان برای بهره­گیری کامل از روزه، بر ترک و دوری از آن تاکید شده است. پیامبرج فرموده­اند:

«من لم يدع الخنا والكذب؛ فلا حاجة لله أن يدع طعامه وشرابه»[[48]](#footnote-49).

«هرکس ناسزاگویی و دروغ را رها نسازد، خداوند نیازی به ترک خوراک و شراب او ندارد».

و فرموده­اند: «ليس الصيامُ من الأكل والشراب، إنما الصيام من اللغو والرفث، فإن سابّك أحدٌ أو جهِلَ عليك فقل: إني صائم، إني صائم»[[49]](#footnote-50).

«روزه، نخوردن و ننوشیدن نیست، بلکه روزه، دوری از چیزهای پوچ و باطل و ناسزاگویی و دشنام دادن است. اگر کسی تو را دشنام داد، یا کار جاهلانه­ای انجام داد، بگو من روزه هستم، من روزه دارم».

و فرموده­اند: «لا تَسابَّ وأنت صائم، فإن سابَّك أحد فقل: إني صائم، وإن كنت قائماً فاجلس»[[50]](#footnote-51).

«در حالی‌که روزه هستی دشنام مده، اگر کسی تو را دشنام داد، بگو من روزه هستم و اگر ایستاده بودی بنشین».

و فرموده­اند: «... و رُبّ صائمٍ حظُّه من صيامه الجوعُ والعطش»[[51]](#footnote-52).

«چه روزه دارانی‌که تنها بهره و نصیب آنان از روزه، گرسنگی و تشنگی است».

و فرموده­اند: «الصوم جُنَّة -أي من النار- ما لم يخرقها»[[52]](#footnote-53).

«روزه سپر و جان­پناه از آتش است تا زمانی‌که غیبت و سخن‌چینی و اخلاق بد آن را پاره نکرده است».

پس روزۀ کامل مورد نظر و ستایش شرع، علاوه بر اجتناب از خوردن و آشامیدن، دوری اعضـای ظـاهری و باطنی از معایب واعمال غیر شرعی است. روزه‌دار اگر مشتاق است که از آزادشدگان این ماه باشد، باید به این نکته عنایت کامل بورزد.

\* \* \*

روزه‌دار، روزش را چگونه سپری می‌­کند؟­­­

تنها دوری از گناهان برای روزه‌دار کافی نیست، بلکه باید هرچه بیشتر به انجام طاعات و عبادات و تلاوت قرآن و صدقه دادن و اطعام مساکین روی آورد، چنان‌که در حدیث متفق علیه از ابن عباسس نقل شده است­که:

«**كان النبي ج أجودَ الناس بالخير، وكان أجودَ ما يكون في رمضان حين يلقاه جبريل، وكان جبريل يلقاه كل ليلةٍ في رمضان حتى ينسلخَ، يعرضُ عليه النبي ج القرآنَ، فإذا لقيه جبريل كان أجود بالخير من الريح المرسلة».**

«پیامبر ج با سخاوتمندترین مردم بود و در رمضان، هنگامی‌که جبرئیل او را ملاقات می‌­کرد، با سخاوت­تر از همیشه بود، و جبریل÷ تا پایان رمضان، هر شب پیامبر ج را ملاقات می‌­نمود، پیامبر ج قرآن را بر جبرئیل می‌­خواند، هنگامی‌که جبرئیل پیامبر ج را ملاقات می‌­کرد، ایشان از باد نیز برای انجام کار خیر سریع‌تر بودند».

أم­ المؤمنین عائشهل فرموده است: «كان النبي ج إذا دخل العشرُ شدَّ مئزره، وأحيا ليله، وأيقظ أهله».

«پیامبر ج با فرا رسیدن دهۀ آخر رمضان، از زنان دوری کرده، و در عبادت جدیت و توجه بیشتری به خرج می‌­داد، شب زنده­داری می‌­کرد و خانواده­اش را نیز بیدار می‌­کرد» [متفق علیه].

و نیز فرموده است: «كان رسول الله ج يجتهد في العشر الأواخر مالا يجتهد في غيره».

«پیامبر ج در دهۀ آخر رمضان از دیگر اوقات بیشتر در عبادت تلاش وکوشش می‌‌کرد».

و این بر خلاف چیزی است که بسیاری از مسلمانان بر آن هستند؛ چون آن‌ها را می‌­بینید که در اول رمضان سرحال و سرزنده­اند و در آخر رمضان بی­حال و سست می‌­شوند!

پیامبر ج فرموده است: «من فطّر صائماً كان له مثل أجره ولاينقص من أجر الصائم شيئاً»[[53]](#footnote-54).

«هرکس روزه‌داری را افطار دهد، برای وی نیز ثوابی مانند ثواب و پاداش روزه‌دار هست، حال آن‌که از اجر روزه‌دار هیچ چیز کم نمی‌شود».

امام مالک/ با فرا رسیدن ماه رمضان تدریس را متوقف می‌­کرد و از فقه و فتوی و حدیث باز می‌­ایستاد و به تلاوت قرآن می‌­پرداخت و می‌­گفت: «این ماه، ماه قرآن است».

ای مسلمان روزه‌دار! با آگاهی و شناخت از این مسائل، بیاندیش که مسلمانان، ماه رمضان را چگونه سپری می‌­کنند؟

آنان را می‌­بینی‌که در این ماه، چیزهایی را که مانع ذکر و یاد خدا می‌‌شود، مانند سریال‌ها و لهو و لعب و مسابقه­های تلویزیونی و ... را فراهم می‌­کنند. انگار رمضان تنها برای این­کارهای زشت و بدور از ادب مقرر شده است. ولا حول ولا قوة الا بالله!

و مثل این‌که این طاغوتیان حاکم می‌­خواهند به این طریق کارایی رمضان و اثر ایمانی آن را بر نفس‌ها خنثی کنند. آن‌ها ایمانی را که در رمضان زیاد می‌‌شود و در نفس‌ها ارتقاء می‌­یابد، با پخش برنامه­ها و سریال‌های زشت و زننده بر صفحۀ تلویزیون‌ها که خانۀ از آن خالی نیست، ناقص و باطل می‌­کنند، زیرا به صلاح طاغوتیان ظالم نیست که ملت‌ها بر ایمان‌شان افزوده شود و از قید شهوت‌ها و هوس‌ها آزاد شوند، و ذهن و افکار خود را از هواها و شهوت‌ها پاک گردانند، اگر چه به مدت یک ماه!

آن‌ها می‌­دانند که شیاطین جن در رمضان به زنجیر کشیده می‌­شوند، لذا آن‌چنان که می‌­بینید شیاطین وطواغیت انس تلاش مفسدانۀ خود را در رمضان دوچندان می‌‌کنند تا نقص و کمبودشان را به خاطر از دست دادن حمایت و کمک برادران شیاطین جن خود، جبران کنند!

\* \* \*

نماز شب در ماه رمضان

مردم در تعداد رکعات این نماز اختلاف دارند، و قول صحیح‌که آن را موافق با سنت می‌­دانیم، این است­ که این نماز از یازده رکعت بیشتر نیست، بنا بر حدیث متفق علیه که أم ­المؤمنین عایشهل فرموده است:

«**ما كان النبي ج يزيد في رمضان ولا في غيره على إحدى عشرة ركعة**».

«پیامبر ج چه در رمضان و چه در غیر آن بیشتر از یازده رکعت نمی‌خواندند».

جابر ابن عبداللهس فرموده است: «پیامبر ج در شبی از رمضان‌که همراه مردم شب زنده­داری کردند، هشت رکعت نماز خواندند و سپس نماز وتر خواندند».

سائب بن یزید گفته است: «عمر بن خطابس به أبَی بن کعب و تمیم داریک امر کرد که برای مردم یازده رکعت نماز بخوانند». و همچنین گفته است: «قاری سوره‌هایی‌که از صد آیه بیشتر بودند را می‌­خواند، حتی بعضی از ما به خاطر طولانی بودن قیام، بر عصا تکیه می‌­کردیم و از نماز منصرف نمی­شدیم، مگر در طلوع فجر (یعنی نماز تا نزدیک به طلوع فجر ادامه داشت)» [موطأ إمام مالک].

\* \* \*

اعتکاف

اعتکاف بدین‌گونه است که فرد مسلمان، به نیت عبادت در مدت زمان مشخصی‌که در نیت دارد، در مسجد می‌­ماند و خارج نمی‌شود مگر برای ضرورت یا نیاز شدید بنا بر فرمودۀ خداوندأ:

﴿وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِۗ ١٨٧﴾ [البقرة: ١٨٧].

«ودر حالی‌که در مساجد معتکف هستید (با زنان) در نیامیزید».

أم­المؤمنین عایشهل فرموده است: «پیامبر ج سرش را داخل اتاق می‌­کردند، در حالی‌که در مسجد معتکف بودند، و من نیز سر ایشان را شانه می‌­نمودم، و پیامبر ج در حال اعتکاف تنها برای ضرورت به خانه داخل می‌شدند» [متفق علیه].

و نیز فرموده است: «برای معتکف، سنت چنین است که به عیادت مریض نمی­رود و در تشییع جنازه شرکت نمی­کند و با زنش هم‌بستر نمی‌شود و به او نزدیک نمی‌شود و تنها برای ضرورت شدید خارج می‌‌شود، و اعتکاف نمی­کند مگر این‌که روزه باشد و تنها در مسجد جامع (مسجدی‌که در آن جمعه و جماعت برگزار می‌‌شود) اعتکاف جایز است». [صحیح سنن أبوداود/2160]

اعتکاف در تمام روزها و ماه‌ها جایز است، زیرا پیامبر ج در دهۀ آخر شوال نیز اعتکاف نموده­اند، اما افضل اعتکاف در دهۀ آخر ماه رمضان است، زیرا پیامبر ج در این وقت اعتکاف نموده و بر آن مواظبت داشته­اند. چنان‌که در صحیحین است که أم­المؤمنین عایشهل فرموده است:

«كان النبي ج يعتكف العشرَ الأواخر من رمضان حتى قبضه الله، ثم أعتكف أزواجه من بعده».

«پیامبر ج تا زمان وفات در دهۀ آخر رمضان اعتکاف می‌­کردند، سپس بعد از ایشان همسرانش اعتکاف کرده­اند».

این حدیث دلیل بر جایز بودن اعتکاف زنان در مسجد است.

اگر گفته شود در چه مساجدی اعتکاف جایز است؟

در جواب می‌­گویم: در این مسأله اختلاف شدیدی است و قول صحیح نزد من این است که اعتکاف در هر مسجدی‌که در آن جمعه و جماعت برگزار شود، جایز است. بنا بر حدیث أم­المؤمنین عایشهل که ذکر شد. و این به خاطر آن است که معتکف، جماعت را از دست ندهد، و یا برای جمعه و جماعت، ناچار به خروج به سـوی مسجد دیگـری نشود که در این حالت اعتکاف وی نیز باطل می‌‌شود. برخی از علمای سلف نیز چنین نظری دارند.

اگر گفته شود: از این فرمودۀ پیامبر ج که می‌­فرماید: «لا إعتكاف إلا في المساجد الثلاثة» یعنی «اعتکاف تنها در سه مسجد جایز است»، چه می‌فهمیم؟

می­گویم: می‌­توان حدیث را بر این حمل کرد که اعتکافِ کامل و با فضیلت، در این سه مسجد است: مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الاقصی.

لذا می‌­بینیم که ابن مسعودس به حذیفهس نسبت خطا می‌­دهد، هنگامی‌که به این حدیث استدلال کرده و مسلمانان را از اعتکاف در مسجد بزرگ کوفه منع می‌­کرد.

متن کامل حدیث چنین است: «حذیفه به عبدالله بن مسعودس گفت: چطور گروهی میان خانۀ تو و أبو موسی اعتکاف کرده­اند و تو آنان را منع نمی­کنی؟ و می‌‌دانی که پیامبر ج فرموده است:

«لا إعتكاف إلا في المساجد الثلاثة»[[54]](#footnote-55).

«اعتکاف جایز نیست مگر در این سه مسجد».

عبدالله گفت: «لعلك نسيت وحفظوا، أو أخطأت وأصابوا».

«شاید تو فراموش کرده­ای و آنان حفظ کرده­اند، یا تو اشتباه می‌­کنی و آنان درست می‌­گویند» [السلسلة الصحیحة /2786].

امام طحاوی/ در کتاب مشکل الآثار، بر این نظر است که انکار ابن مسعود بر حذیفه، و جواب دادنش به آن صورت، دلیل بر منسوخ بودن حدیث است که مردم آن را حفظ کرده­اند و حذیفه فراموش کرده است و گفته: «در این حدیث اندیشه نمودیم و با توجه به: 1- خبر دادن حذیفه به ابن مسعود مبنی بر اطلاع ابن مسعود از این حدیث پیامبر ج. 2- از عدم انکار سخن حذیفه از طرف ابن مسعود و جواب دادنش به حذیفه به صورت مزبور، پی بردیم‌که حدیث مزبور منسوخ است، و قول ابن مسعودس یعنی: حدیث تو منسوخ است و مردم در این­کار، قول صحیح را برگزیده­اند و قرآن نیز بر همین امر دلالت دارد:

﴿وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِۗ ١٨٧﴾ [البقرة: ١٨٧].

«و در حالی‌که در مساجد معتکف هستید (با زنان) در نیامیزید».

من نیز می‌­گویم: سکوت حذیفه در مقابل جواب ابن مسعود، و عدم جلوگیری حذیفه از مسلمانان معتکف در مسجد، نشانۀ این است که حذیفه با ابن مسعود موافق شده که حدیث مذکور دلیل بر ممنوعیت اعتکاف در غیر این سه مسجد نیست، زیرا اگر ابن مسعود در پاسخ به حذیفه و در فهمش از حدیث دچار اشتباه شده بود، حتماً حذیفه بر او ایراد می‌­گرفت و جوابش را تصحیح می‌­کرد و خودش به مسجد می‌­رفت و معتکفین در مسجد را منع می‌­کرد.

عجیب این‌که شیخ ناصرالدین البانی به خطا دانستن استدلال حذیفه از جانب ابن مسعود در استناد به حدیث مذکور در ممنوعیت اعتکاف در غیر این سه مسجد اقرار کرده و بعد از آن به ابن مسعود نسبت خطا داده و فهمش‌که حذیفه در آن موافق ابن مسعود شده را رد می‌­کند، و حدیث را مخصص آیۀ به حساب آورده که اعتکاف را در هر مسجدی مباح می‌­کند. نص گفتۀ وی در سلسلۀ صحیحه 6/ 667-670 چنین است: «گفتۀ ابن مسعود نص قاطعی در نسبت خطای وی به حذیفه در روایت لفظ حدیث نیست، بلکه شاید استدلالش به حدیث را در اعتکاف مورد انکارش خطا دانسته است، زیرا احتمال این می‌­رود که معنی حدیث نزد ابن مسعود چنین بوده باشد: اعتکاف کامل نیست مگر ...». تا این‌که گفته: «آیه عام است و حدیث خاص و مبانی فقه تقاضا می‌­کند که عام بر خاص حمل شود. بنا بر این، حدیث مخصص و مبین آیه است و گفتۀ حذیفه و حدیث نیز بر همین دلالت دارند».

\* \* \*

زکات فطر و احکام پيرامون آن

پرداخت زکات فطر واجب است، به شیوۀ خوراکی ـ نه به شیوۀ پول ـ و به خاطر پاک شدن روزه‌دار می‌­باشد، و از مسلمانِ بَرده، و آزاد، و مرد، و زن، و کوچک، و بزرگ، گرفته می‌‌شود، چنان‌که ابن عباس فرموده است: «پیامبر**ج** زکات فطر را فرض نمود تا روزه‌دار از گناهان پاک شود و غذایی نصیب مساکین گردد. هرکس قبل از نماز عید پرداخت کند، زکات فطر محسوب می‌‌شود، و هر کس بعد از نماز پرداخت کند، صدقه به شمار می‌آید» [صحیح التر غیب 1085].

ابن عمر**ل** فرموده است: «پیامبر ج زکات فطر را بر مسلمانانِ بَرده، و آزاد، و مرد، و زن، و کوچک، و بزرگ، یک صاع خرما، یا یک صاع جو فرض نمود».

پیامبر **ج** فرموده است: «أدوا صاعاً من بُرٍّ أو قمحٍ، أو صاعاً من تمر، أو صاعاً من شعيرٍ، عن كل حرٍّ وعبد، وصغير وكبير .. ذكر وأنثى» [مسلم].

«هر آزاد، و برده، بزرگ، و کوچک، مرد، و زنی، یک صاع گندم یا خرما یا جو پرداخت کند».

یک صاع، چهار مد است و هر مد، برابر با یک مشت انسانی معتدل است.

چیزهایی‌که در زکات داده می‌‌شود، گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت یا کشک است.

زمان پرداخت آن قبل از نماز عید است نه بعد از عید، چنان‌که ابن عمرب فرموده است: «أمرنا رسول الله ج بزكاة الفطر أن تؤدي قبل خروج الناس إلى الصلاة».

«پیامبر ج به ما دستور داد که زکات فطر، قبل از خروج مردم برای نماز عید پرداخت شود» [به روایت بخاری].

و از ابن عمرب ثابت است که زکات فطر را یک یا دو روز قبل از نماز عید فطر، پرداخت می‌­کرد.

رأی من بر این است که: اگر به خاطر کفایت در مکان زکات دهنده، و وجود نیاز مبرم در مکان دیگر، قرار باشد که زکات فطر به جایی دیگر ارسال شود، این کار مانعی ندارد، اگر زود فرستاده شود، تا در زمان مناسب و تعیین شده (قبل از عید) به دست فقیران نیازمند آن مکان برسد، چرا که اگر در پرداخت آن تأخیر شود، ممکن است بعد از نماز عید به دست نیازمندان آن منطقه برسد، که در این حالت زکات فطر محسوب نمی‌شود و تنها صدقه به شمار می‌­آید. زیرا حکمت در دادن صدقۀ فطر این است که غذایی، قبل از نماز فطر بدست فقرا برسد، تا خود و کودکان‌شان در ایام عید از آن استفاده کنند. صدقۀ فطر به این معنا نیست که فقط از دست صاحبش بیرون آید تا در دست بی­نیاز دیگری قرار گیرد، و او این مال را در دست خود حبس کند و یا هر زمان‌که خواست برای فقرا خرج کند، والله تعالی أعلم.

\* \* \*

روزه‌ی شش روز ماه شوال

هنگامی‌که رمضان تمام شد و ماه شوال از راه رسید، مستحب است که انسان شش روز از این ماه را روزه بگیرد، به دلیل فرمودۀ پیامبر ج: «من صام رمضان ثم أتبعه ستاً من شوال كان كصيام الدهر».

 «هرکه رمضان را روزه بگیرد، سپس به دنبال آن شش روز دیگر از ماه شوال را نیز روزه بگیرد، مانند این است که برای همیشه روزه باشد» [رواه مسلم].

و می‌­تواند روزه را بلافاصله بعد از عید فطر شروع کند؛ یعنی در روز دوم شوال، زیرا از روزه گرفتن در روز عید نهی شده است. والله تعالی أعلم.

\* \* \*

بدین‌گونه به پایان این مبحث مختصر در مورد رمضان و احکام پیرامون آن رسیدیم. امید است که خداوند آن را قبول نماید، و به وسیلۀ آن به روزه‌داران در هرجا که هستند نفع برساند، همانا خداوند سبحانه و تعالی شنونده و نزدیک و اجابت کننده است.

وصلی الله علی النبي الأمي محمّد وعلی آله وصحبه وسلم

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.



1. - الصارم المسلول/ ابن تیمیة: 56 [↑](#footnote-ref-2)
2. - صحیح الجامع: 7884. [↑](#footnote-ref-3)
3. - صحیح الجامع: 893. [↑](#footnote-ref-4)
4. - صحیح الجامع: 6369. [↑](#footnote-ref-5)
5. - أخرجه النسائی وغیره، السلسلة الصحيحة: 1898. [↑](#footnote-ref-6)
6. - صحیح سنن الترمذی:553. [↑](#footnote-ref-7)
7. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-8)
8. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-9)
9. - صحیح سنن أبی داود: 2052. [↑](#footnote-ref-10)
10. - صحیح سنن النسائی: 3211. [↑](#footnote-ref-11)
11. - صحیح سنن أبی داود: 3700. [↑](#footnote-ref-12)
12. - رواه بخاری [↑](#footnote-ref-13)
13. - صحیح بخاری و صحیح مسلم، (صحیح الجامع: 470). [↑](#footnote-ref-14)
14. - صحیح سنن الترمذی: 549. [↑](#footnote-ref-15)
15. - صحیح سنن النسائی: 1992. [↑](#footnote-ref-16)
16. - صحیح سنن النسائی: 1991. [↑](#footnote-ref-17)
17. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-18)
18. - صحیح مسلم، صحیح الجامع: 3875. [↑](#footnote-ref-19)
19. - صحیح الترغیب والترهیب: 1679. [↑](#footnote-ref-20)
20. - صحیح سنن الترمذی: 1325. [↑](#footnote-ref-21)
21. - صحیح سنن الترمذی: 1323. [↑](#footnote-ref-22)
22. - صحیح سنن النسائی: 2099. [↑](#footnote-ref-23)
23. - مسند احمد، مستدرک حاکم، و شعب الإیمان بیهقی. آلبانی می‌گوید: حسن و صحیح است. [↑](#footnote-ref-24)
24. - بخاری، مسلم و نسایی با الفاظ مختلف. نگا: صحیح الترغیب: 979. [↑](#footnote-ref-25)
25. - صحیح الجامع: 3515. [↑](#footnote-ref-26)
26. - صحیح سنن أبی داود: 2084. [↑](#footnote-ref-27)
27. - صحیح سنن النسائی: 2199. [↑](#footnote-ref-28)
28. - صحیح سنن النسائی: 2196. [↑](#footnote-ref-29)
29. - صحیح سنن النسائی: 2043. [↑](#footnote-ref-30)
30. - متفق علیه [↑](#footnote-ref-31)
31. - صحیح الجامع: 3683. [↑](#footnote-ref-32)
32. - أخرجه أبو داود، والترمذی، وغیرهما، السلسلة الصحيحة: 2031. [↑](#footnote-ref-33)
33. - رواه أبو داود، صحیح الجامع: 607. [↑](#footnote-ref-34)
34. - صحیح الجامع: 7284. [↑](#footnote-ref-35)
35. - رواه أبو داود، صحیح الجامع: 7689. [↑](#footnote-ref-36)
36. - روا أحمد، وقال الشیخ شاکر فی التخریج 16/154: إسناده صحیح. [↑](#footnote-ref-37)
37. - صحیح الجامع: 3038. [↑](#footnote-ref-38)
38. - صحیح الترغیب: 1074. [↑](#footnote-ref-39)
39. - صحیح الجامع: 6583. [↑](#footnote-ref-40)
40. - رواه أبو داود، صحیح الجامع: 4678. [↑](#footnote-ref-41)
41. - قال ابن حجر فی الفح 4/177: إسناده إلى حکیم صحیح. [↑](#footnote-ref-42)
42. - صحيح سنن أبي داود: 2089. [↑](#footnote-ref-43)
43. - ذرائع جمع ذریعه‌، به معنی وسیله است‌. ذرائع در اصطلاح فقهاء به اموری اطلاق می‌شودکه منتهی به حرام یا حلال ‌گردد. بدین معنی‌: کاری که منتهی به حرام شود حرام است‌، وکاری ‌که منتهی به حلال شود حلال است‌، و آنچه واجبی از واجبات بدون انجام آن امکـان‌پذیر نباشد واجب است‌. پس مقصود از سدّ ذرائع‌، جلوگیری از چیزهائی است ‌که به حرام منتهی‌ گردد ... [↑](#footnote-ref-44)
44. - صحیح سنن أبی داود: 2090. [↑](#footnote-ref-45)
45. - رواه النسائی، صحیح الترغیب: 1054. [↑](#footnote-ref-46)
46. - صحیح الجامع: 1885. [↑](#footnote-ref-47)
47. - صحیح سنن الترمذی: 575. [↑](#footnote-ref-48)
48. - قال ابن حجر فی الفتح 4/140: [↑](#footnote-ref-49)
49. - صحیح الجامع: 5376. [↑](#footnote-ref-50)
50. - صحیح الترغیب: 1082. [↑](#footnote-ref-51)
51. - صحیح الجامع: 3490. [↑](#footnote-ref-52)
52. - صحیح سنن النسائی: 2109. [↑](#footnote-ref-53)
53. - صحیح سنن الترمذی: 647. [↑](#footnote-ref-54)
54. - أخرجه الإسماعیلی في المعجم، والبیهقي في السنن، السلسلة الصحيحة: 2786. [↑](#footnote-ref-55)